

## سخنی چند درباره

## شاهکارهای نثر فارسی معاصر

بتازگی کتابی بنام «شاهکارهای نثر فارسی معاصر» با انتخاب آقای سعید نفیسی استاد دانشگاه تهران و سرمایه‌کانون معرفت انتشار یافته است.

این کتاب نسبة قطور (۴۳۰ صفحه با مقدمه) حاوی منتخبات آثار چهار تن از نویسندگان معاصر است و آقای نفیسی علت اینکه این کتاب را تنها از آثار این چهار تن انتخاب فرموده اند چنین توضیح می‌دهند:

«آنچه درین صحایف بنظر خوانندگان میرسد قسمت اول از منتخبات آثار کسانیست که در قرن حاضر پیشرو ادبیات جدید بوده و آثار ادبی محض و بمعنی اخص نوشته‌اند. در قسمتی که اینک انتشار می‌یابد نونهایی از آثار چهار تن نویسنده که بیش از دیگران در معاصران خود نفوذ کرده‌اند، گرد آمده است.»

در هر حال، منظور ما بحث درباره چهار تنی که منتخبات آثارشان درین کتاب گرد آمده - یعنی طالبوف - دهخدا - جمال زاده و هدایت - نیست. این مطلبی است که وقت و مطالعه فراوان می‌خواهد و باید درباره هر یک ازین نویسندگان که قطعاً در ایجاد محیط ادبی عصر خویش تأثیر فراوان داشته‌اند جداگانه بحث شود.

اما آقای سعید نفیسی مقدمه مفصلی (تسزیدیک به ۵۰ صفحه) بر این کتاب نگاشته‌اند و خود درین باره چنین گفته‌اند:

«در مقدمه کتاب ضروردیدم بخواهش بسیاری از دوستداران ادب مختصری درباره تحول نثر فارسی از آغاز ادبیات کنونی تا زمان حاضر بنویسم و نیز جمعی خواستار بودند سبکهای ادبی را بروش اروپایی در ادب فارسی تعریف کنم... و عجاله برای اینکه زمینه در دستشان باشد تقریری را که در ضمن درس تاریخ ایران در دانشکده ادبیات کرده‌ام در دیباچه این کتاب چاپ میکنم و تفصیل این مجمل را بکتاب مفصلی که در تاریخ ادبیات

ایران فراهم آورده ام و امیدوارم بزودی انتشار یابد  
می گذارم .

بنابرین درین مقدمه پنجاه صفحه ای دو مطلب مورد بحث قرار  
می گیرد .

نخست «مختصری درباره تحول شرفارسی از آغاز ادبیات کنونی  
تا زمان حاضر» ، دوم «تعریف سبکهای ادبی بروش اروپایی در ادب  
فارسی» و در مقدمه نیز بهمین ترتیب عمل شده است .

قسمت نخست، بیست و یک صفحه از مقدمه را تشکیل میدهد .  
البته این صحایف محدود برای بیان تحول شرفارسی از آغاز ادبیات  
کنونی تا امروز کافی نیست و نویسنده هر قدر مطلب را باختصار و  
ایجاز بیان کند باز در عسرو حرج می افتد و چیزی جز رتوس مطالب را  
— آنها در نهایت ایجاز و بلکه نارسایی — نمی تواند مورد بحث  
قرار دهد .

اما هنگامیکه مقدمه را خواندم دچار شگفتی شدم زیرا ازین  
بیست و یک صفحه — بحساب دقیق — هفت صفحه ونیم آنرا نام اشخاص،  
نامهای عجیب و غریبی که خواندن آن نیز بدون اعراب خالی از  
اشکال نیست (مانند ملاصد تنوی — امیر غیبات الدین دشتگی — شاه  
طاهر الخدانی — سنگلاخ تبریزی — محمد قاسم بن هندوشاه فرشته و...)  
اشغال کرده است و بدون تردید این صفحات از نظر کسی که میخواهد  
مختصری در باب تحول شرفارسی از آغاز ادبیات تا دوران کنونی مطالعه  
کند ، بهیچوجه حائز ارزش و اهمیت نیست و ایکاش این صفحات  
محدود بررسی بیشتر شرفارسی در این دوران اختصاص داده میشد و  
نیم صفحه نام کسانی که مثلا «از ادبیات اروپایی پیروی نکرده اند»  
برده نمیشد .

زیرا آنچه حائز اهمیت است دانستن نام این افراد نیست بلکه  
آشنایی بکار بست که کرده اند و آن ساختن بنای کهنسال ادب فارسی  
است . اما اساس گفتار ما روی بخش دوم مقدمه دور میزند زیرا :

«در موقع تطبیق ادبیات ایران با روشهای ادبیات اروپایی  
تقسیمات ادبیات اروپا و ترتیبی را که روشهای مختلف در آن

داشته اند نمیتوان رعایت کرد زیرا همان مقتضیاتی که در اروپا بوده و روشی را بوجود آورده در ایران فراهم نشده و اگر فراهم شده دیرتر یا زودتر بوده است. بهمین جهت نه تنها در آنوقتی که سبکی در اروپا رایج بوده در ایران سبک دیگری رواج داشته بلکه گاهی هم روشی که در اروپا بوده در ایران پیدا شده است. (مقدمه - صفحات ۲۳ و ۲۴)

بنظر ما حتی میتوان پا را ازین مقدار نیز فراتر گذاشت. زیرا ادبیات نیز مانند هر پدیده اجتماعی و تاریخی زائیده مقتضیات مادی محیط است و تفاوت مقتضیات مادی محیط ایران و فرنگ، ایجاب می کرده است که ادب فارسی نیز با ادب اروپایی بیک راه نرود و اساساً مقایسه این دو بایکدیگر قیاس مع الفارق است.

البته يك متخصص ادبیات ایران و کسیکه بخواهد در کار ادب فارسی اظهار نظر کند باید آشنایی کامل با ادبیات اروپایی داشته باشد و مکتبهای گوناگونی را که طی قرون و اعصار در ادبیات اروپایی بوجود آمده بشناسد و از جدیدترین تحولاتی که در آن پیدا می شود باخبر باشد؛ اما این مسأله کوچکترین ارتباطی به تطبیق این دو ادبیات ندارد.

زیرا - چنانکه استاد نقیسی نیز تلویحاً اذعان فرموده اند - اساساً اثر فارسی در رشته «ادب محض» عین داستان و افسانه و نمایشنامه و ناول مطلب قابل توجهی ندارد و اگر از داستانهایی مانند رموز حمزه و امیر ارسلان و اسکندر نامه بگذریم چیزی از زبان گذشته باقی نخواهد ماند که بتوان بدان نام «ادبیات محض» داد.

تشر فارسی قرون گذشته تمام یا بصورت کتب علمی، یا بصورت تاریخ و یا بصورت تذکره و ترجمه حال باقی مانده و طبیعی است که نمیتوان در این قبیل کتب سبکهای کلاسیک و رمانتیک یا مکتبهای سبولیسیم و امپرسیونیسم و سوررآلیسم را یافت.

در ادبیات فارسی آنچه بیشتر رشد یافته و بعد اعلای ترقی خویش رسیده «شعر» است و شعر فارسی را باید حتماً با شعر فرنگی سنجید زیرا زبان شعر و بیان شعری و موضوع آن بکلی با شعر جداگانه

است و سنجش ایندو بایکدیگر صحیح نیست .

اما آقای نفیسی پس از معرفی سبکهای ادبی اروپائی چنین نوشته اند :

« این سبکهای چهارگانه اساسی ادبیات فارسی یعنی رئالیسم و ناتورالیسم و سمبولیسم و امپرسیونیسم (۱) در نظم و نثر هر دو هست ، اما چون در نظم نمایانتر و آشکارترست و شاعر زیباییها و لطایف و محسنات هر سبکی را بهتر نمایش میدهد. این چهار روش را در شعر معرفی میکنیم .»

در حالیکه نام کتاب اساساً «شاهکارهای نثر فارسی معاصر» است و اگر این تطبیق سبکهای ادبی فرنگی با فارسی درست باشد ، باید خوانندگان این کتاب متوجهند که دصاف الحفره چه روشی داشته و از کدامیک از سبکهای «چهارگانه اساسی ادبیات فارسی» پیروی میکردند است و اینکار نشده است .

مهمترین قسمت مقدمه - که برای خوانندگان فارسی زبان بکار می آید - آنجاست که سبکهای ادبی فرنگی معرفی شده است. منتهی بقدری نویسنده این قسمت را کوتاه آورده که تقریباً نمیتوان از آن استفاده برد .

ازین پنجاه صفحه مقدمه فقط چهار صفحه صرف معرفی مکتبهای ادبی اروپائی شده و آنهم بقدری ناقص و مختصر است که بی هیچ تردیدی خواننده هرگز نخواهد توانست آثار نویسندگان اروپا را با خواندن آن صفحات از یکدیگر بازگشتناهد *و مطالعات فرنگی*

در حالیکه بنظر ما بهتر بود درین قسمت که دقیق ترین قسمت های مقدمه است تفصیل بیشتری قائل میشدند و بجای نوشتن هفت صفحه اسم ، نمونه بی از هر سبک بدست خواننده میدادند .

بطور خلاصه ، این مقدمه چنانکه انتظار میرفت آموزنده نیست و تنها چیزهایی که از آن بخاطر خواننده باقی میماند ، مقداری اسامی شعرا و نویسندگان و مقدار زیادی اسم نامانوس و دور از ذهن از شعرای مهجور زبان فارسی است ؛ از این گذشته آنچه درباره «نثر فارسی معاصر» اهمیت دارد اینست که آثار نویسندگان قرن ما همان طایبوف و دهخدا

## خیانت در هولیوود

کنند و شهر ستارگان را به «شهر سرخ» مبدل گردانند . همه مردم روشنفکر و هنرمندان آزاد برضد این تحریکات مسخره و قانون شکنی آشکار اعتراض کردند . اما کمیسیون کذابی بالاخره ده نفر از رژیم پورها و نویسندگان هولیوود را متهم ساخت .

مضمون اتهام این بود که ده نفر مزبور نخواستند با استفاده از حقی که قانون اساسی ایالت های متحده امریکا بآنها

عنوان بالا نام فیلم جدیدی نیست بلکه نماینده صحنه ای از وقایع است که در امریکای امروز می گذرد .

در ۱۹۴۷ یکباره «کمیسیون تعقیب فعالیت های ضد امریکائی» که از طرف واشنگتن مأمور جاسوسی و شکار آزادبخواهان بود بقول خود توطئه ای در هولیوود کشف کرد که مطابق آن گویا کمونیستها میخواسته اند بیرون صنعت سینمای امریکائی رخنه

و جمال زاده و هدایت - یا کار نویسندگان فرنگی مقایسه شود و اگر اینان از کسانی الهام گرفته یا برای استادی از ادبای فرنگ رفته اند باز نموده شود .

اینکار مطلقاً در مقدمه انجام نگرفته و حتی کوچکترین ذکر نیز از اختصاصات سبک و روش نگارش آنان نرفته است ؛ در حالیکه جوانان ما امروز نیازمند دانستن راه درستی هستند که ادبیات فارسی باید در آینده بدان راه رود و اینکار بیشتر با شناسایی مکتبهای گوناگون ادبی و آشنائی بدان و تجزیه و تحلیل کار کسانی که ادبیات فارسی را براهی توانداخته اند مربوط است .

امیدواریم آقای سعید نفیسی با احاطه بی که بر ادبیات فارسی اروپایی دارند در چاپ بعدی آن کتاب یاد در مقدمه جلد دوم آن این معانی را مورد توجه قرار دهند و بجای ردیف کردن اسامی و ترتیب دادن جنگ شعرا این معانی را در نظر بگیرند و چراغی فرا راه علاقمندان بتعالی ادبیات فارسی نهند .